ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی
(نقد و بررسی ادلّه)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱ تاریخ تأیید: ۹۲/۳/۱۷

سیدسجاد ایزدهی*

صدیقه صدیق تقی‌زاده**

بررسی حکم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی مسئله اصلی این مقاله است که با استفاده از منابع عقلی و نقلی به آن پرداخته می‌شود. مدعای این مقاله نیز این است که استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی که انهدام گسترده‌ای در پی دارد و تبعات آن فراگیر، پیش‌بینی‌ناپذیر و مهارناشدنی است و سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای را در برمی‌گیرد، بر اساس ادلّه فقهی، ممنوع و حرام است. از جمله مبانی حرمت این سلاح‌ها تأکید دین اسلام بر هدایت الهی بشر، کرامت ذاتی انسان و صلح‌طلبی می‌باشد؛ در ضمن اسلام به اخلاق مداری، برخورد با عطوفت و انسانی با غیر نظامیان به‌ویژه زنان، کودکان و کهن‌سالان حتی اسرا توصیه کرده و بالاتر آنکه حقوق حیوانات و محیط زیست را در جنگ‌ها از نظر دور نداشته است.

واژه‌های کلیدی: سلاح کشتار جمعی، سلاح هسته‌ای، جنگ در اسلام، تعهدات بین‌المللی، حقوق بشر.

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

** دانشجوی دکتری دانشگاه علوم حدیث.

مقدمه

جنگ‌ها که در طول تاریخ عمدتاً به زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌گر برمی‌گردد، رویدادهای زشت و وحشتناکی را در زندگی اجتماعی رقم زده‌اند اما نه به زشتی و وحشتناکی تسلیحات کشتار جمعی که قادرند در یک زمان تعداد انبوهی از مردم را نابود کنند. از آنجا که تسلیحات کشتار جمعی به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای امنیت جهانی و صلح و دوستی پایدار ملت‌ها را به خطر می‌اندازد، ممنوعیت این‌گونه سلاح‌ها موضوع بحث جوامع جهانی گردیده به‌ویژه سازمان ملل و به تصویب قطعنامه‌های متعددی مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای کشورها انجامیده است. شورای امنیت که رکن اجرایی سازمان ملل متحد است و وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، «تکثیر این سلاح‌ها را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند» **(ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۸)**.

درحالی‌که سلاح‌های کشتار جمعی محصول جامعهٔ مدرن است، جوامع اسلامی به دلیل مبانی فکری‌شان و ضرورت محوریّت اخلاق در نبردها تولید و استفاده از آن را نپذیرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز، با آنکه به استفاده مفید و مثبت از انرژی هسته‌ای توجه کرده، به حرمت سلاح‌های اتمی معتقد است؛ آیة الله خامنه‌ای در فتوایی بر حرمت شرعی تولید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تأکید نموده است؛ ایشان در پیامی به اجلاس بین‌المللی خلع سلاح در تهران در اردیبهشت سال ۸۹، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را جرم می‌داند و ضمن اعلام حرمت کاربرد آن در بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناکازاکی را غیر انسانی و زشت‌ترین واقعه تاریخ برمی‌شمرد **(خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۲۷)**.

ارائه مبانی و ادلّه فقهی، ارائه ادله حرمت و جواز استفاده از این سلاح‌ها، طرح ادلّه جواز استفاده از این سلاح‌ها و پاسخ مناسب به آن و در نهایت بررسی حکم تولید و انباشت این سلاح ها از جمله مواردی است که این تحقیق بدان اهتمام ورزیده است. این مقاله با طرح پرسش چیستی ادلّه عام و خاص حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی بر این باور است که ادلّه فقهی مقتضی حرمت تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در زمان جنگ و صلح در قالب حمله به دشمن، دفاع از کشور یا مقابله‌به‌مثل و تهدید دشمن است. این تحقیق جدا از مقدّمات لازم برای طرح این بحث، مباحث خود را در دو بخش ارائه کرده است؛ در بخش اوّل به ادلّه عام می‌پردازد، ادله‌ای که به این سلاح‌ها عنایت ندارد و پذیرش آنها مستلزم قول به حرمت سلاح کشتار جمعی است و در بخش دوم به ادلّه‌ای روی می‌کند که این گونه سلاح‌ها را مورد نقد قرار داده‌اند.

۱. کلیات

۱ـ ۱. مفهوم شناسی

«سلاح‌های کشتار جمعی» (Weapons of mass destruction: WMD) در ادبیات حقوق تسلیحات مترادف با سلاح‌های نامتعارف است، **(ساعد، ۱۳۸٦، ص٤۳).** سلاح‌هایی که قدرت تخریب فراوان دارند و به اهداف معین و مشخص محدود نمی‌شوند، برخلاف سلاح‌هایی که اهداف خاص و محدود را دنبال می‌کنند و آثار دراز مدّت ندارند. از سلاح‌های کشتار جمعی در زبان فارسی به «ش. م .ه» (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) تعبیر می‌شود (**ممتاز، ۱۳۷۷، ص۱۰ ـ ۱٤). از دیگر ویژگی‌های این گونه سلاح‌ها می‌توان به عدم تفکیک نیروهای هدف یاد کرد که آثار تخریبی آن نه فقط نظامیان و سربازان را بلکه شهروندان غیر مسلّح، زنان و بچه‌ها و حیوانات و محیط زیست را از پا می‌افکند (**شارل، ۱۳٦۹، ج۱، ص ۱٤۱).**

بنابراین می‌توان ویژگی‌هایی برای این‌گونه سلاح‌ها برشمرد و آن را از سلاح‌های متعارف متمایز کرد که از آن جمله می‌توان به قدرت تخریبی بسیار زیاد در قالب انهدام و زیان‌های گسترده و مسمومیت در سطح وسیع **(همان، ص ۱۳).** و غایت و غرض به‌کارگیری آن اشاره کرد که پیش‌بینی‌ناپذیر و مهار ناشدنی محسوب می‌شود (**ممتاز، ۱۳۷۷، ص۱۳ـ ۱٤).**

۲ـ ۱. نوپدیدبودن سلاح هسته‌ای

با توجه به نوپدیدبودن سلاح هسته‌ای که در زمان امام معصوم7 مطرح نشده و ردّ و نشانی از آن را آیات و روایات نمی‌توان مشاهده کرد، باید گفت:

گرچه عمده سلاح‌های جنگی در زمان‌های گذشته به تیر و شمشیر و نیزه بوده، سلاح کشتار جمعی نیز وجود داشته است که از آن میان می‌توان به خراب‌کردن سدّ، آتش‌زدن با منجنیق و آلوده کردن آب و هوای سرزمین دشمن به سم اشاره کرد. ازاین‌روی فهم حکم این راهکارهای جنگی می‌تواند به محقق عرصه فقه در فهم حکم شارع دربارۀ سلاح هسته‌ای کمک نماید.

در توضیح موضوع شناسی سلاح کشتار جمعی و انطباق آن با سلاح‌های موجود در زمان سابق و صدر اسلام می‌توان گفت «خراب کردن سد» و «آتش‌زدن با منجنیق» گونه‌ای سلاح با قدرت تخریبی وسیع‌اند، اما این دو راهکار با موضوع‌شناسی سلاح کشتار

جمعی (به معنای مصطلح) منطبق نیستند؛ زیرا بـا وجـود قـدرت تخریبـی فـراوان هـدف تخریبی مشخّصی دارند و تنها افراد خاصّی را هدف قرار می‌دهند، درنهایت به سلاح‌هایی مانند توپ، خمپاره، تانک و موشک منطبق خواهند بود.

گفتنی است روایات این راهکارهـا را (در فضـایی کـه جنـگ رودررو جنـگِ عادلانـه محسوب می‌شد) نهی کرده، امّا در مواردی به اقتضای شرایط خاص و توقّف پیـروزی بـه آنها سفارش کرده‌اند: جنگ‌کردن با انواع سـلاح [مانـند] تخریـب منـازل، دژهـا، پرتـاب منجنیق، سوزاندن با آتش، ارسال سیلاب... و محاصره‌کردن، به شـرطی کـه پیـروزی در گرو آن باشد جایز است؛ زیرا پیامبر6 به اقتضای ضرورت در جنگ با اهالی طائف، بخشی از درختان آنجا را قطع کرد (**بیهقی، ۱۴۰۸، ج۹، ص ۸۳**). و آتش بر یهود بنـی نضـیر ریخت و این در حالی است که ریختن سم در سرزمین دشمن (بنا بر قـول درسـت) جـایز نیست (**شهید اوّل، ۱۴۱۴، ج۲، ص ۳۲**).

چنان‌که پیداست، همهٔ راهکارهای برشمرده در صورت ضرورت جایز است، لکن القای سم در سـرزمین دشـمن ممنـوع مـی‌باشـد (**حـرّ عـاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۶۲، ح ۱۹۹۸۹**). جواز این راهکارها و منع از القای سم و دلیلی ندارد، جز اینکـه القـای سـم از مصادیق سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌شود؛ زیرا هم قدرت کشتار فراوان دارد، هم هدف تخریبی مشخّصی ندارد و همه موجودات (انسـان، حیـوان، گیاهـان) را در معـرض نابودی قرار می‌دهد و هم اینکه آثار آن برای سالیان دراز باقی خواهد ماند.

به عبارت دیگر توصیه به جنگ با انواع سلاح‌های مزبور حکم اوّلی بـه‌اقتضـا توصـیه شده است، اما القای سم در سرزمین کفر، به‌طور مطلق تحریم شده است؛ روایت سـکونی (که با فتوای فقیهان نیز همراه است) که القای سـم در سـرزمین مشـرکان را منـع کـرده است، حتّی فرض توقّف پیروزی بر این کار را هم در بر می‌گیرد (**عراقـی، ۱۴۱۴، ج۴، ص ۴۰۴**).

بر این اساس و در راستای موضوع شناسی سلاح کشتار جمعی در فقه شیعه باید گفت «پرتاپ آتش با منجنیق» و «ارسال سیل» در ذیل سلاح کشتار جمعی نمـی‌گنجنـد، امـا «ارسال سم» از مصادیق سلاح کشتار جمعی است و ازاین‌روی حکم ارسال سـم در فقـه همان حکم سلاح هسته‌ای خواهد بود. سید محمد صادق صدر در خصوص تطبیـق ایـن عنوان با سلاح هسته‌ای این گونه اظهار داشته است: «... این روایت گرچه بـر ممنوعیّـت خصوص سم دلالت می‌کند، باید گفـت همـه مـوارد کشـتار جمعـی را شـامل مـی‌شـود،

به‌گونه‌ای که بی‌گناه برای گناهکار و غیر مسلّح برای مسلّحان از بین می‌روند. حتّی سلاح هسته ای و مانند آن را شامل می‌شود. تعمیم مورد سم به همه موارد کشتار جمعی به دلیل القای خصوصیّت فقهی از مورد سم است (**صدر، ۱٤۲۰، ج ۲، ص۳۸۵**).

بر این اساس باید گفت این روایت، گرچه دلالت بر حرمت استعمال خصوص سم می‌نماید، لکن به دلیل القای خصوصیّت از ویژگی «سم»، شامل همهٔ سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود که بی‌گناه و گناهکار و مسلح و غیر مسلّح را نابود می‌کند، حتّی سلاح هسته‌ای و مانند آن (سلاح میکروبی و شیمیایی) را در بر می‌گیرد.

۳ـ ۱. پیشینه فتوای فقیهان در حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی

مطابق آنچه در موضوع شناسی سلاح کشتار جمعی آمده است، باید گفت سلاح کشتار جمعی در فقه از قبیل مسائل مستحدثه (نوپدید) نیست و سابقه درخور اعتنایی در فقه دارد. حال تنها به برخی از مستندات آن اشاره می‌شود:

۱. شیخ طوسی درکتاب **النهایة** که از قدیمی‌ترین کتاب‌های فقهی است، بر اساس متن روایت حکم به حرمت پخش سم در سرزمین کفار کرده است: «جنگ با کفار با سایر انواع کشتار جایز است جز سم؛ پخش سم در سرزمین آنها روا نیست. هرگاه مسلمانان با عصیان برخی از کفار رویاروی شدند، می‌توانند از منجنیق و آتش و امثال آن بهره‌گیرند، البته به این شرط که پیروزی در جنگ به آنها موقوف باشد» (**شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج۱، ص ۲۹۳**).

۲. ابن ادریس می‌گوید: «جایز است نبرد با کفار با سایر انواع قتل ... مگر پخش‌کردن سم در سرزمین کفار؛ همانا جایز نیست سم در سرزمین آنها پخش شود» (**ابن ادریس حلّی، ۱٤۱۰، ج۲، ص ۷**).

۳. ابن زهره تأکید دارد: «نبرد با دشمنان با هرچه امید پیروزی با آن می‌رود جایز است مانند آتش، منجنیق و امثال این دو، گرچه مسلمانان در میان آنان باشند. البته پخش‌کردن سم در سرزمین آنان جایز نیست» (**ابن زهره، ۱٤۱۷، ص ۲۰۱**).

۴. آیة الله خویی می‌نویسد: «پخش‌کردن سم در سرزمین مشرکان به دلیل نهی پیامبر6 در روایت معتبر سکونی جایز نیست» (**خوئی، ۱٤۱۰، ج۱، ص ۳۷۳**).

۵. صاحب **جواهر** در ذیل کلام محقق حلی که «یحرم القاء السم»، پیشینه‌شناسی مفصّلی کرده و حرمت استفاده از این سلاح‌ها را به بسیاری از فقها مانند شیخ طوسی در

کتاب **نهایه** و ابن‌زهره در کتاب غنیة **النزوع** و ابن‌ادریس در کتاب **سرائر** و علامه حلّی در کتاب **مختصرالنافع** و **تبصره** و **ارشاد** و شهید اول در کتاب **دروس** و محقق ثانی در کتاب **جامع‌المقاصد** نسبت می‌دهد. ایشان با نقد دیدگاه برخی فقیهان که حکم به کراهت این عمل داده‌اند، بر قول به حرمت این نظریه تأکید کرده است و در ادامه با عنایت به اطلاق روایت مذکور، مسموم کردن بلاد را حتی اگر به پیروزی در جنگ منجر شود، مجاز ندانسته است (**نجفی، ۱۳۶۵؛ ج ۲۱، ص ۶۸**).

۶. بسیاری از مراجع تقلید معاصر به‌کارگیری ابزارهای جنگی غیر متعارف را در جنگ حرام دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان به آیة الله خامنه‌ای اشاره کرد که این سلاح‌ها را ضد بشری، غیر عقلانی و ضد انسانی دانسته و این گونه اظهار داشته‌اند: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدّی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت‌بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفهٔ همگان می‌دانیم» (**خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۲۷**).

«استفاده از سلاح هسته‌ای نه‌تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملّت، نظامی و غیر نظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردید و حتی به نسل-های بعدی نیز خسارت‌های جبران ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتّی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدّی مسلم‌ترین قواعد بشردوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می‌گردد» (**همان**).

۲. ادله عام حرمت سلاح‌های هسته‌ای

پیش از بررسی ادلّه حرمت سلاح‌های هسته‌ای به مبانی مورد پذیرش دین اسلام توجه می‌کنیم؛ بر اساس این مبانی اساساً دین اسلام قادر نخواهد بود استعمال سلاح‌های هسته‌ای را تجویز و آن را به رسمیّت بشناسد. حال به اجمال این مبانی را بیان می‌کنیم:

۱ـ ۲. اصل دعوت

اسلام دینی است که اصل را بر هدایت بشر و کرامت ذاتی و حیات طیبه انسانی بنا نهاده است؛ ازاین‌رو پیامبرِ اسلام پیام‌آورِ رحمت و محبت بوده و در برخورد با دشمنان نیز

ابتدا به هدایت آنان پرداخته و منطق و فطرت را محور قرار داده است. بر اساس این منطق، خداوند حاکمان و کارگزاران و فرماندهای جنگی را ملزم کرده است پیش از رویارویی با قوای نظامی دشمن آنان را به منطق فطرت الهی دعوت و با اولویّت ترک مخاصمه، درصورتی که خواهان صلح باشند، درخواست‌شان را اجابت کنند. نقل است هنگامی که رسول خدا6 امیرمؤمنان7 را به یمن اعزام کرد، به وی این گونه فرمود: ای علی، با هیچ کس کارزار نکن، مگر اینکه در آغاز وی را به اسلام دعوت کرده باشی؛ به خدا سوگند اگر خداوند به دست تو فردی را هدایت کند، برای تو بهتر است از هر چه خورشید بر آن بتابد و تو صاحب اختیار آن باشی (**حرّ عاملی، ۱٤۰۹، ج۱٥، ص ٤۳، ح ۱۹۹٥۱)**.

پس دعوت ارزشمندتر از جنگ و جهاد و کشتار کفار محسوب می‌شود؛ براساس منطق الهی اگر انسان‌ها هدایت یابند و کشته نشوند، به حق نزدیک‌تر خواهد بود **(نهج البلاغه، خطبه ٤٥).**[i] بر اساس این منطق، جنگ در دین اسلام از اولویّت و اصالت برخودار نیست و رجوع مردم به فطرت الهی و تربیت اخلاقی در دین اسلام از محوریّت برخوردار است؛ ازاین‌رو دین اسلام هیچ گاه راضی نخواهد بود تعدادِ بی‌شماری از مردم را با سلاح‌های کشتار جمعی نابود کنند و امکان هدایت و سعادت (که غرض از دعوت مردم به دین اسلام است) را از آنان بگیرند.

۲ـ ۲. صلح‌طلبی و آرامش‌محوری در اسلام

مطالعهٔ متون دینی در قالب آیات و روایات ائمه معصومین: هر فردی را به این باور خواهد رساند که صلح و آرامش در دین اسلام از اهمیّت محوری برخوردار است و ازهمین‌رو پیامبر اسلام پیامبر رحمت برای تمام جهانیان خوانده شده است (**أنبیاء: ۱۰۷)**؛ توسعه اسلام و گرایش کفار به آن در گرو اخلاق کریمانه و مبتنی بر گذشت، مهربانی و چشم‌پوشی پیامبر6 در مقابل کفار بوده است (**آل‌عمران: ۱٥۹)**.

پیامبر6 نیز همواره صلح و آرامش را بر جنگ و عفو و گذشت را بر کیفر و چشم‌پوشی را بر انتقام ترجیح می‌داد، ازهمین رو رویکرد ایشان در جنگ‌ها (که عمدتاً صبغه دفاعی

i. امیر مؤمنان7 می‌فرمایند: «ذٰلِکَ احَبُّ الَیَّ مِنْ انْ اقْتُلَهَا عَلی ضَلالِها»: هدایت گمراهان برای من بهتر است از اینکه آنها را در حال گمراهی‌شان بکشم.

داشت) مبتنی بر مسالمت، عفو، رفتار انسانی و اخلاق محوری بود، به‌گونه‌ای که نـه‌تنهـا بی‌گناهان از تبعات جنگ مصون می‌ماندند، بلکه جنگجویان نیز تـا حـدّ ممکـن مشـمول رحمت فراگیر نبوی و اسلامی قرار می‌گرفتند. بر اساس این منطق، رسول خـدا6 از قتـل سالخوردگان، زنان و کودکان خودداری می‌ورزید و از کشتن اسیر و یا کسانی که از جنگ بر کنار بوده‌اند نهی می‌فرمود، ضـمن اینکـه از شـکنجه‌کـردن سـپاهیان یـا مُثلـه‌کـردن کشته‌شدگان نهی می‌فرمود.

شاهد مثال‌های بسیاری برای این سیره پیامبر می‌توان برشمرد، از جمله:

ـ رفتار رسول خدا6 در روز فتح مکه روشن‌ترین نمونـه رفتـار انسـانی در برخـورد بـا دشمنان است؛ ایشان پس از آنکه بر دشمنان پیروز گشت و به انتقام و قتـل یـا اسـارت و غنیمت اموال آنان قادر بود، خون آنان را محترم شمرد و اموالشان را به خودشان بخشـید (**مجلسی، ۱٤۰۳، ج ۹۷، ص ۵۹)**. و ضمن خطبه‌ای هدف خویش از رسـالت را بیـان کرد و با برشمردن فضایل انسانی و الهی همگان را به اصلِ محوری توحید دعـوت نمـود (**نوری، ۱٤۰۸، ج۲، ص ۳٤۰)**.

ـ در جنگ ذات الرِّقاع، سیل پیامبر6 را از اصحابش دور انداخت. غَورث‌بـن‌حـارث بـه قصد قتل پیامبر6 آمد و شمشیربه‌دست به پیامبر گفت: در این هنگام چه کسی قادر است از تو دفاع کند. پیامبر6 فرمود: پروردگارم. به عنایت خداونـد وی از اسـب بـه زیـر افتـاد. پیامبر6 شمشیر وی را گرفت، بر سینه‌اش نشست و فرمود. حال بگو چه کسی از تو دفـاع می‌کند. وی با توجّه به شناختی که از پیامبر6 داشت گفت: جود و کـرم تـو. ایـن عبـارت موجب شد پیامبر6 در عین قدرت و انگیزه از او درگذرد و رهایش نماید (**فیض کاشانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۷۱۱، ح ۱۳۲٦)**.

ـ پیامبر6 همواره بر صلح جهانی تأکید داشت. در سفری به خانـه خـدا کـه بـه صـلح حدیبیه منجر شد، ابتدا یکی از اصحاب را که با قریش قرابت داشت، برای پرهیز از جنگ به نزد آنان فرستاد و به دلیل همین پرهیز بـود کـه بـه گفتگـو پرداخـت و شـرایط غیـر عادلانه‌شان را پذیرفت. پیامبر تا زمانی که قریش این پیمان را نقض کردند، بـه مفـاد آن وفادار ماند. پس از فتح مکه پرچم پیـروزی را بـه دسـت سـعدبن‌عبـاده داد کـه پـیش از حضرتش به مکه وارد شود. وقتی حضرت رسول6 شنید سعد می‌گوید: «امروز روز جنـگ است، امروز روزی است که زنان و دختران به بند اسارت خواهند افتاد» ناراحت شد. وی را

عزل کرد و پرچم را به دست حضرت علی7 داد و آن روز را روز رحمت و بخشایش نامید **(مجلسی، ۱۴۰۳، ج۲۱، ص ۱۰۵)**.

بر اساس این رفتار پیامبر جنگ و مبارزه و قتل از اصالت برخوردار نیست و جنگ و قتل زمانی ترجیح می‌یابد که دشمن دست از دشمنی نکشد و جنگ مسلحانه را برگزیند. و این گونه رویکرد قتل دشمنان غیر مسلّح را توجیه نمی‌کند، و کشتن زنان و کودکان و حیوانات و تخریب طبیعت در آن موضوعیّتی ندارند و اساساً مردود خواهند بود.

۳ـ ۲. رویکرد اخلاقی به جنگ

طرق وصول به غایات شرعی، به دو گونه مشروع و غیر مشروع تقسیم می‌شوند. ازاین‌روی رفتارهای فردی، گروهی، سیاسی، نظامی یا حکومتی باید به ملاک‌ها و ضوابطی معیّن مستند باشند. به همین ملاک برای غلبه بر دشمن از هر ابزار و روشی نمی‌توان استفاده کرد. در آموزه‌های شرعی، فصلی گسترده وجود دارد که در آن بر اخلاق، عدالت، مراعات رفتار انسانی در عرصه‌های مختلف تأکید شده و در قالب اخلاق سیاسی، اخلاق حکومتی و اخلاق جنگی ارائه شده است که برای درک تفصیلی آن باید به کتب اخلاق در این خصوص مراجعه کرد.

آنچه در این تحقیق مورد عنایت قرار می‌گیرد، بخشی از ضوابط و ملاک‌های شرعی در خصوص اخلاق جنگی است که بر اساس آن، رزمندگان نمی‌توانند امور غیر اخلاقی، غیر انسانی و ظالمانه را دستاویز رسیدن به پیروزی کنند. حال طبیعی است پیروزی بر حریف و دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی که ماهیّت غیر اخلاقی، غیر انسانی و ظالمانه دارد، توصیه نشود و نهی گردد. برخی از این موازین به‌اختصار از قرار ذیل‌اند:

الف) رعایت رفتار انسانی و مراعات افراد غیر مسلّح

قرآن مبارزه و جنگ (به‌مانند همهٔ مکاتب که جنگ را در مواردی جایز می‌شمارند) را توصیه می‌کند و بر این اساس هر رزمندهٔ مسلمان دشمن متخاصم را باید از پای درآورد و در پیروزی سپاه سهیم باشد، اما این قضیه موجب نمی‌شود برای پیروزی در جنگ به هر عملی دست زد؛ خداوند به همان میزان که به جنگ توصیه می‌کند، تجاوز را ناپسند می‌شمرد و از آن نهی می‌کند: «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از

حدّ تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» (**بقره: ۱۹۰**).[i]

برخی در تفسیر این آیه بر این باورند که «الّذین یقاتلونکم» دشمنانی‌اند که جنگ با مسلمانان را آغاز کرده‌اند، برخی دیگر این عبارت را به کسانی اطلاق کرده‌اند که در صحنه پیکار با مسلمانان می‌جنگند. بنا بر احتمال اوّل، مراد از «و لاتعتدوا» این است که با کسانی که به جنگ با شما اقدام نمی‌کنند، نجنگید. احتمال دوم مفید نهی از جنگ با غیرنظامیان است (**طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱ـ ۲، ص ۵۱۰**).

قدر متیقّن از این دو احتمال، نفی جنگ تجاوزکارانه و غیر عادلانه است که مفید رعایت اخلاق در جنگ است. مفسران در ذیل این آیه بر این باورند که «تنها با کفاری که با شما در مقام جنگ‌اند نبرد کنید» (**طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵۱**). علامه طباطبایی؛ ذیل این آیه می‌نویسد حرمت گسترش جنگ وکشتار غیر جنگجویان دشمن از باب تخصیص نیست، بلکه زنان وکودکان و پیران و همانند آنها تخصّصاً خارج‌اند (**طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۷**). آیة الله مکارم شیرازی نیز باور دارد که: افزون برحرمت کشاندن جنگ به غیر نظامیان تعدی به باغستان‌ها، گیاهان و زراعت‌ها و نیز استفاده از مواد سمّی برای زهرآلودکردن آب‌های آشامیدنی دشمن یعنی جنگ شیمیایی و میکروبی جایز نیست (**مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج۲، ص ۱۹**).

در مجامع تفسیری اهل سنّت، ذیل این آیه به روایاتی اشاره شده است که کشتن زن و بچه‌ها و آنهایی را که به جنگ با مسلمانان حاضر نمی‌شوند، (**عاملی،۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۱۹ / ابوالفتوح رازی، ۱٤۰۸، ج ۳، ص ٦۹**). و همین طور قتل پیرمردان و کسانی را که تسلیم شده‌اند (**سیوطی، ۱٤۰٤، ج ۱، ص ۲۰۵**). ممنوع شمرده‌اند.

اهمیت حفظ جان غیر نظامیان به ویژه زنان و کودکان به‌حدی است که مشهور فقیهان شیعه بر این باورند که زنان و کودکان، حتی در صورت حضور در نبرد از تعرّض مصون‌اند (**نجفی، ۱۳٦۵، ج ۲۱، ص ۷۳**). این امر، بنا بر سخن برخی فقیهان، سالخوردگان، را شامل می‌شود؛ بر این اساس پیرمردها، مگر زمانی که در جنگ حضور یابند (**همان، ۷۵**). از قتل مصون‌اند (**همان**). این قضیه ـ با توسعی در عبارات برخی دیگر از فقیهان ـ معلولان جسمی، مجانین، بیماران، تجّار و زارعان و روحانیان را در بر می‌گیرد و مصونیّت‌هایی برای آنها قائل می‌شود (**سبزواری، ۱٤۱۳، ج ۱۵، ص**

i. و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین.

۱۲۴ـ۱۲۶).

روایات صادره از پیامبر اسلام6 و اهل بیت: نیز مفید حجم بسیاری از آموزه‌های اخلاقی است که حیلهٔ جنگی را به عنوان یک تاکتیک پذیرفته‌اند؛ ولی اخلاق‌گریزی از آن بر نمی‌آید؛ لذا در آغاز جنگ به سربازان توصیه می‌شد به پیمان جنگی وفادار بمانند، از قتل زنان، پیرمردان، بچه‌ها و افراد زمین‌گیر خودداری نمایند، از قطعه‌قطعه‌کردن بدن کشته‌شدگان بپرهیزند، اگر امان خواستند، بپذیرند، از ناجوانمردی کناره گیرند و از کشتن فراریان و اسیران خودداری کنند. از باب نمونه پیامبر اکرم6، در مقام فرمانده جنگ، هرگاه قصد اعزام لشکری را داشت، سپاهیان مسلمان را در مقابل خود می‌نشاند و می‌فرمود: با نام خدا و در راه خدا و دین رسول خدا حرکت کنید، به یکدیگر خیانت نورزید و کسی را مثله نکنید و پیمان نشکنید، پیرمردان و پیرزنان و اطفال و زنان را نکشید، تا ناگزیر نشده‌اید درختان را قطع نکنید و اگر مسلمانی (خواه از فرومایه‌ترین یا شریف‌ترین) به یکی از کفار امان می‌دهد تا کلام خدا را بشنود، او در امان است تا کلام خدا را بشنود، پس اگر اسلام را پذیرفت برادر دینی شماست، وگرنه او را به محل خود بازگردانید و از خداوند یاری بجویید (**کلینی، ۱۳۸۸، ج۵، ص۳۰**).

امام علی7 هم در یکی از جنگ‌ها خطاب به لشکریان خویش می‌فرماید: من نمی‌پسندم که شما [به مردم شام] دشنام دهید ... بهتر آن است که به جای دشنام به آنان بگویید: خدایا خون‌های ما و ایشان را از ریختن حفظ فرما و میان ما و آنان را اصلاح کن و آنان را از گمراهی‌شان برهان. تا کسی که نادان به حق است، آن را بشناسد و آنکه حریص و شیفته گمراهی و دشمنی است از آن باز ایستد (**نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۷**).

ب) حفظ حقوق حیوانات و محیط زیست

دین اسلام علاوه بر اینکه بر کرامت انسانی تأکید کرده برای افراد ضعیف و غیر نظامی در زمان جنگ، مصونیّت‌هایی قائل شده است، برای حیوانات نیز حقوقی برشمرده و انسان‌ها را به مراعات آنها توصیه کرده است؛ از جمله آمده:

ـ هرگاه فردی حیوان تشنه‌ای داشته باشد و وی مقداری آب داشته باشد که فقط برای وضویش کفایت می‌کند، باید آب را به حیوان بدهد و خود تیمم کند (**نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۱۱۴**).

ـ آن قدر پشت حیوان سوار نشود که حیوان به مشقت بیفتد، همین طور آن قدر بار

سنگین بر پشت حیوان نگذارد که حیوان به زحمت بیفتد و باید بـار را بـا دیگـر حیوانـات تعدیل نماید.

ـ اگر جاندار بچه شیر خوار داشته باشد، باید به اندازه کفایت تغذیه بچه شیر در پستان مادر بماند؛ لذا اگر شیر مادر فقط به اندازه تغذیه بچه‌اش باشد، دوشیدن شـیر مـادر حـرام است.

ـ سزاوار است کسی که شیر می‌دوشد ناخن‌های انگشتانش را بگیرد تـا حیـوان اذیـت نشود.

ـ آزار رساندن به حیوان ممنوع است، مانند گذاشتن بار سنگین بر پشت حیوان، اجبـار حیوان به حرکت سریع و زدن بیش از اندازه حیوان.

ـ زدن در موقع رم‌کردن حیوان به اندازۀ احتیاج جایز است، ولی زدن در موقع لغزیـدن ممنوع است.

ـ شکار حیوانات برای تفریح و بدون احتیاج حرام است. به همـین جهـت سـفر بـرای شکار، از سر تفریح، معصیت است و باید نماز را تمام بخواند (**جعفری، ١٤١٩، ص١١٥ ـ ١٢٣**).

به موازات احترام به حقوق حیوانات، دسته‌ای از روایـات اهتمـام بـه محـیط زیسـت و گیاهان و طبیعت را مورد عنایت قرار داده و ازبین‌بردن آنها را نکوهش کرده‌اند. پیامبر6 در آغاز جنگ مراعات محیط زیست را در مجموعه توصیه‌هـای خـود گنجانـده و از تخریـب گیاهان و درختان منع کرده است: «پیامبر6 هنگامی که سرداری را به جنگ اعزام می‌کرد وی را به تقوا امر کرده می‌فرمود: ... نخل را به آتش نکشید و آن را در آب غـرق نکنیـد، درخت دارای میوه را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید» (**حرّ عاملی، ١٤٠٩، ج١٥، ص ٥٩، ح ١٩٩٨٦**).

با توجه به این مطالب آیا می‌توان باور کرد اسلام، با استفاده از سلاح کشـتار جمعـی، حکم به مرگ بسیاری از مردم بی‌گناه و غیر مسلّح (اعم از زن و بچه و پیرمرد) بدهد، بـه تخریب محیط زیست (برای زمان‌های طولانی) حکم کند. و حیوانات را بدون هیچ علّتـی به مرگی سخت محکوم نماید؟ طبیعی است منطق اخلاق‌مدار دین اسلام قادر نخواهد بود چنین حکمی صادر نماید.

ج) حقوق بشر دوستانه

علاوه بر مواردی که در قالب محوریّت اخلاق در جنگ مطرح شد، به توصیه‌های اخلاقی‌ای می‌توان اشاره کرد که عمدتاً به رعایت امور انسانی، اخلاقی و عادلانه اشاره دارد. این امور که به حقوق بشردوستانه مشهور شده است، سطح وسیعی از امور اخلاقی را در برمی‌گیرد که انجام آن عملی قبیح و نکوهش‌شده به حساب می‌آید. بخشی از این امور به قرار ذیل است:

ـ به زنجیر کشیدن افراد (در زمان جنگ یا صلح) **(تمیمی مغربی، ۱۳۷٤، ج ۱، ص ۳٦۹)**؛

ـ قتل بدون سند و مدرک و به خاطر گمان یا تهمت؛

ـ اعمال مجازات قبل از ارتکاب جرم با وجود علم به ارتکاب پسینی **(طباطبایی، ۱۳٦۳، ج ٤، ص ۲۷۷ ـ ۲۷۸)**.

ـ شکنجه دشمن؛

ـ تعرض به اماکن مذهبی مانند کلیساها و معابد؛

ـ اقدام به جنگ پیش‌دستانه به قصد انتقام‌جویی و غارت؛

ـ قتل سربازان دشمن، با وجود امکان اسارت آنان؛

ـ نبرد با کفار اهل کتاب با وجود آمادگی برای انعقاد قرارداد ذمه؛

ـ جنگ با وجود پیشنهاد صلح از جانب دشمن؛

ـ کشتن افراد غیر نظامی مانند راهبان و روحانیان، پرستاران، مجروحان و بیماران، سفیران جنگی، بچه‌ها، زنان و پیران **(کلینی، ۱۳۸۸، ج۵، ص۳۰)**.

ـ تکه‌تکه‌کردن اعضای بدن دشمن **(محقق حلی، ۱۳٦۵، ص ۱۱۳)**.

کسی که این قوانین را وضع کرده است، حکم به جواز استفاده از بمب هسته‌ای نمی‌دهد؛ زیرا؛ استفاده از این بمب عملاً نقض غالب بلکه همه دستورها و توصیه‌های اخلاقی لازم‌الاجرا در زمان جنگ و صلح است. بنابراین به نظر می‌رسد با وجود این مبانی نوبت به ادله حرمت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نخواهد رسید؛ زیرا این مبانی به‌خوبی حکم به عدم جواز و حرمت می‌دهند.

۳. ادلّه خاص حرمت سلاح هسته‌ای

۱ـ ۳. ادله عقلی

از جمله ادلّه حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی دلیل عقل است. بـه دو گونـه ادلـهٔ عقلی (مستقل و غیر مستقل) می‌توان در عرصهٔ استنباط استناد کرد.

عقل مستقل (فارغ از شرع) حکم به قبیح‌بودن ایـن نـوع سـلاح‌هـا مـی‌کنـد و آن را مستوجب عقاب می‌داند. بر این اساس، اگر نتوان ادّعا کـرد کـه عقـل دلیـل مسـتقلی در عرصه استنباط است، لااقل می‌توان به کمـک قاعـده ملازمـه **(مشـکینی، ۱۳۷۷، ص ۳۸۰)** (که بر اساس آن، اگر عقل حکم به چیزی نمود، شرع هم حکم به مفـاد آن مـی‌دهد) حکمی شرعی استنباط کرد که حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای را شدت می‌بخشد. همچنین می‌توان به عقل غیر مستقل[1] در این خصوص استدلال کـرد کـه بـر اسـاس آن، مبانی چندگانه (اخلاق جنگی، اصل دعوت، اصالت حیـات و آرامـش، حقـوق حیوانـات و محیط زیست) بخش اوّل و مقدمه استدلال را تشکیل می‌دهد و با مفروض‌گرفتن آن می‌توان به دلیل عقلی استناد کرد؛ عقل بر اساس اولویّت قطعی حکم می‌کند که اگـر شـارع آن مقدّمات را خواستار است و طلب می‌کند، طبیعتاً حکم به حرمت سلاح کشـتار جمعـی خواهد کرد؛ زیرا معنا ندارد شارع از یک طـرف امـوری چـون حقـوق حیوانـات و محـیط زیست، حق حیات بشری، حقوق بشر دوستانه را به رسمیّت بشناسد و ضمن تأکید بر آنها مؤمنان را از پیمودن طریق مخالف منع و نهی نماید، از سوی دیگر استفاده از سلاح اتمی را که در تضاد با همهٔ آن موارد است، به رسمیّت بشناسد و حکم به جواز اسـتفاده از ایـن گونه سلاح‌ها بدهد.

۲ـ ۳. ادله نقلی (کتاب و سنّت)

الف) قرآن

۱. «مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً وَ مَنْ أَحْياها فَكَأَنَّما أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»: هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل نفس [به قصد قصاص] یا فساد در زمین [به قصد مجازات مفسد فی الارض] بکشد، چنـان اسـت کـه گـویی همـهٔ انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد [او را زنده کنـد] چنـان است که گویی همه مردم را زنده کرده است **(مائده: ۳۲)**.

---

[1] دلیل غیر مستقل عقلی دلیلی است که یک پایه استدلال آن (صغرای دلیل) بر پایه نقل و روایات مبتنی است و یک پایه دیگر استدلال (کبرای دلیل) دلیل عقلی است.

از محوری‌ترین اصول مورد تأکید اسلام حق حیات انسان‌هاست. بر اساس این اصل، اسلام در برابر قتل یک انسان بی‌گناه چنان موضع سختی اتخاذ می‌نماید که گویا همه انسان‌ها کشته شده‌اند. آیه شریفه با مفروض‌انگاشتن قبح «قتل گروهی و جمعی» مردم، قتل یک فرد را نیز قبیح فرض کرده و مستوجب عقاب برشمرده است. تأکید بر حق حیات انسانی و ضرورت آن موجب شده است به قصاص، یکی از راهکارهای اسلام برای تضمین حقّ حیات، توصیه شود و مجازات قتل در برابر قتل منطقی مفهوم برای صاحبان خرد باشد.

«لَکُم فی القِصاصِ حَیوةٌ یا أولی الألباب»: ای صاحبان خرد، برای شما در قصاص زندگی است (**بقره: ۱۷۹**).

بدیهی است جدا از منطق جنگ که مقتضی رویارویی نیروهای مسلّح است و در عرصه نظامی، توجیه‌پذیر است، منطق حفظ جان افراد بی‌گناه و قراردادن تضمین جدّی برای حفظ آن موجب می‌شود توجیهی برای به‌خطرانداختن جان افراد بی‌گناه (آن‌هم به‌طور گسترده و بدون توجه به نظامی و غیر نظامی بودن، از زن و مرد، کودک و پیر) وجود نداشته باشد، مضافاً آیه شریفه ضمن اینکه به صراحت «قتل گروهی و جمعی» را محکوم می‌نماید، آن را بدیهی و مفروض تلقّی می‌کند و نیازی به استدلال برای اثبات آن نمی‌بیند.

۲. «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَساد»: هنگامی که به مرحله‌ای از حکومت و سلطه برسند، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، [با اینکه می‌دانند] خدا فساد را دوست نمی‌دارد (**بقره: ۲۰۵**).

در این آیه شریفه خداوند برخی از ویژگی‌های مردمانی (منافقین) را برمی‌شمرد که به تعبیر قرآن، در آیه قبل، «ألدُّ الخصام» (سرسخت‌ترین دشمنان‌اند). قرآن در آیات بعدی جایگاه آنان را جهنم می‌داند؛ ازاین‌روی جدا از اینکه مفاد این آیه ازبین‌بردن گیاهان و چهارپایان را از مصادیق فساد در زمین می‌داند و از اسباب ناخشنودی خداوند بر می‌شمرد، از صدر و ذیل آن برمی‌آید افرادی که دست به این عمل می‌زنند، از مصادیق مفسد فی-الارض‌اند و عمل آنان دشمنی با اسلام تلقی می‌شود و موجب عقاب آنان در دوزخ می‌گردد؛ ازاین‌رو باید گفت سلاح کشتار جمعی به‌ویژه سلاح هسته‌ای که از مصادیق «هلاک حرث و نسل» است و حرث (به معنی گیاهان) و نسل (به معنای اولاد که بر

اولاد انسان و غیر انسان قابل اطلاق است) در سطح فراگیر از بین می‌برد، نه تنها مطلوب و مورد خشنودی خداوند نیست، بلکه عملی منکر و مستوجب عقوبت خواهد بود.

ب) روایت

«نَهَی رَسُولُ اللَّهِ6 أنْ یُلْقَی السَّمُّ فِی بِلَادِ الْمُشْرِکِینَ». پیامبر6 نهی فرمود که سم در سرزمین مشرکان پخش شود (**حرّ عاملی، ۱٤۰۹، ج۱٥، ص ٦۲، ح ۱۹۹۸۹**).

این روایت را سکونی روایت کرده است؛ از حیث سند مقبول است و از همین رو فقها به آن عمل کرده و فتوا داده‌اند؛ عمل بر طبق این روایت به اجماع فقیهان مستند است. این روایت از حیث دلالت اطلاق دارد و نهی از القای سم به سرزمین کفار به شرایط خاصی (مانند توقف پیروزی در جنگ) مقید نشده است؛ نه فقط حرمت القای سم از این حکم بر می‌آید، بلکه حرمت در شرایط اضطراری نیز از آن استنباط می‌شود، بر خلاف مواردی مانند القای آتش یا ارسال سیل که حرمت آنها در شرایط اضطرار و منوط بودن پیروزی به اعمال آنها نقض‌پذیر است. حکم به حرمت «القای سم» مطلق است و در صورت اضطرار هم محفوظ می‌باشد. این استدلال به عبارات فقیهان بزرگ شیعه مانند شهید ثانی مستند است (**شهید اوّل، ۱٤۱٤، ج۲، ص ۳۲**).[i]

ج) پایبندی به تعهدات بین المللی

التزام و پایبندی به تعهدات و قراردادهای بین‌المللی از جمله ادلّه‌ای است که می‌تواند حرمت استعمال سلاح هسته‌ای را قوت بخشد؛ زیرا قرارداد، تعهدآور است و همه نظام‌های حقوقی و اخلاقی بر لزوم مراعات آن تأکید کرده‌اند، در ضمن اسلام بر التزام و پایبندی به پیمان‌ها تأکید ویژه‌ای دارد و وفای به عهد را واجب می‌داند و خیانت و پیمان‌شکنی را (ولو در برابرکفار و دشمنان) حرام می‌شمرد و استفاده ابزاری از پیمان و قرارداد را رد می‌نماید. اسلام به حیله در جنگ توصیه کرده است، اما از غدر به معنای نقض عهد و پیمان شکنی منع کرده است (**کلینی، ۱۳۸۸، ج٥، ص۳۰**).[ii] لذا اگر فرد مؤمن یا دولت

i. یجوز القتال بسائر أنواعه و هدم المنازل و الحصون و رمی المناجیق و التحریق بالنار و إرسال الماء ... إذا توقّف الفتح علیه و الحصار و منع السابلة دخولاً و خروجاً فقد قطع رسول اللّه6 أشجار الطائف و حرق علی بنی النضیر و خرّب دیارهم و لایجوز بإلقاء السمّ علی الأصحّ.

ii. کَانَ رَسُولُ اللَّهِ6 إِذَا بَعَثَ سَرِیَّةً دَعَا بِأَمِیرِهَا ثُمَّ قَالَ سِیرُوا بِسْمِ اللَّهِ... لاتَغْدِرُوا.

اسلامی با دشمن از درِ صلح وارد شد و با او پیمان آتش‌بس امضا نمود، عهد و پیمان را باید محترم بشمرد و آن را زیر پا ننهد.

حضرت علی7 ضمن مقایسه رویکرد خویش با معاویه در عرصه سیاست، پیمان‌شکنی و غدر را از ویژگی‌های معاویه برشمرده و خود را از آن بری دانسته و می‌فرماید:

به خدا سوگند معاویه از من سیاستمدارتر و زیرک‌تر نیست؛ ولی او نیرنگ می‌زند و مرتکب انواع گناه می‌شود (سیاستش بی‌قید و شرط است و هر کار خلافی را برای پیشبرد اهداف سیاسی خود مجاز می‌شمرد). اگر غدر و خیانت ناپسند نبود من سیاستمدارترین مردمان بودم؛ ولی هر گونه غدر و پیمان‌شکنی منتهی به فجور و گناه می‌شود و هر گناهی سر از کفر در می‌آورد (همان‌گونه که رسول خدا فرمود:) «هر غدّار و پیمان شکنی روز قیامت پرچم خاصی دارد که به آن شناخته می‌شود (و در صحنه محشر رسوا می‌گردد) (نهج البلاغه، خطبه۲۰۰).

آیات قرآن بر رعایت عهد و پیمان تأکید کرده‌اند و اطلاق آن، شامل پیمان با کفار و دشمنان هم می‌شود (**مائده: ۱ / اسراء:۳٤**)؛ برخی آیات نیز ضرورت التزام به پیمان با کفار را بیان می‌کنند (**نساء: ۸۹ ـ ۹۰**).[i]

علاوه بر مقتضای آیات قرآن، سیره پیامبر6 نیز این گونه بود که به پیمان‌های خود با کفار ملتزم بوده و از نقضِ پیمان خودداری می‌کرد؛ توجه به قضیه ابوجندل این مطلب را بهتر تبیین می‌کند:

مطابق قراردادی که در صلح حدیبیه بین مشرکان و پیامبر6 امضا شد پیامبر6 پذیرفت که «اگر یکی از افراد قریش بدون اذن بزرگ‌تر خود از مکه فرار کند و اسلام آورد و به مسلمانان بپیوندد محمد6 باید او را به قریش بازگرداند؛ ولی اگر فردی از مسلمانان به سوی قریش بگریزد، قریش موظف نیست او را به مسلمانان تحویل بدهد». هنگامی که مشرکان بر اساس این قرارداد از پیامبر6 خواستند ابوجندل را به مکه باز گرداند، پیامبر سخن آنان را تصدیق کرد و اجازه داد وی را ببرند؛ در حالی که او با صدای

---

i. «فَإِن تَوَلَّوا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُم وَلاَتَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيّاً وَلاَ نَصِيراً إِلاَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ».

بلند فریاد می‌زد و مسلمانان را به کمک می‌طلبید. پیامبر6 برای دلجویی از وی گفت: «ای ابوجندل، شکیبایی کن و بدان که خداوند برای تو و دیگر گرفتاران راه فرجی باز می‌کند؛ همانا ما قراردادی با قریش امضا کرده و خدا را پشتوانهٔ آن قرار داده‌ایم و ما خیانت روا نمی‌داریم» (**ابن هشام، ۱٤۰۹، ج ۲، ص ۳۳۲ ـ ۳۳۳).**

حضرت علی7 در وفای به عهد به مالک‌اشتر می‌فرماید: «اگر پیمان بین تو و دشمن بسته شد یا تعهد پناه‌دادن را به او دادی جامهٔ وفا را بر عهد خویش بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خود را سپر تعهدات خویش قرار ده؛ زیرا هیچ یک از فرایض الهی چون وفای به عهد و پیمان نیست که مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند دربارهٔ آن این‌چنین اتفاق نظر داشته باشند. حتی مشرکان زمان جاهلیت علاوه بر مسلمانان آن را مراعات می‌کردند، چراکه عواقب پیمان‌شکنی را آزموده بودند» (**نهج البلاغه، نامه ۵۳).**

بنابراین بر فرض مبانی دین اسلام دربارهٔ استفاده از سلاح‌های هسته‌ای جواز و اباحه باشد، اما چون ایران قرارداد «ان پی تی» را پذیرفته و عملاً التزام داده که از کاربست این سلاح خودداری نماید، مطابق ادلّه وفای به عهد که دربارهٔ معاهدات بین‌المللی نیز صادق است، موظف است از این قرارداد پیروی کند. همین وفا به تعهد و پیمان بود که امام خمینی; پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و با وجود توانایی برای ادامه جنگ و امکان پیروزی در آن، سخن کسانی را که خواهان نقض قرارداد بودند نپذیرفت و وفاداری به پیمان (ولو به منفعت نباشد و طرف پیمان نیز دشمن باشد) را ترجیح داد.

نتیجه گیری

با توجه به مبانی و ادلّه حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی باید گفت نظام حقوقی و فقهی شیعه، نه‌تنها هیچ سازگاری با استفاده، تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها ندارد، بلکه این اعمال را در مقابل اخلاق، فقه و انسانیّت معنا کرده است. دیدگاه فقیهانی مانند آیة الله خامنه‌ای در خصوص حرام‌بودن این گونه سلاح‌ها، مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی شیعه و در راستای تراث فقیهان صاحب‌نام شیعه است که از سر صداقت و راستی ارائه شده است؛ ازاین‌روی این دیدگاه می‌تواند الگویی برای اخلاق جنگی و نظام حقوقی جهان محسوب شود. همچنین گفته شد حتّی در صورت قول به جواز استفاده از این گونه سلاح‌ها، اگر دولت اسلامی خود را به قراردادی مبنی بر استفاده نکردن از آن مقیّد کرده باشد، باید در قالب حکم ثانوی و از باب لزوم وفای عقد به تعهّد خود وفادار

بماند و از شکستن آن پرهیز نماید.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن ادریس حلّی، محمد، ***السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی***، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱٤۱۰ ق.
- ابن زهره، حمزةبن‌علی، ***غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع***، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱٤۱۷ ق.
- ابن هشام، عبد الملک، ***السیرة النبویة***، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱٤۰۹ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ***روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن***، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱٤۰۸ق.
- بیهقی، احمدبن‌حسین، ***سنن الکبری***، بیروت: دارالمعرفة، ۱٤۰۸ ق.
- خامنه‌ای، سید علی، ***پیام به اجلاس بین المللی خلع سلاح***، ۱۳۸۹/۱/۲۷.
- تمیمی مغربی، نعمان‌بن‌محمد، ***دعائم الاسلام***، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۷٤.
- جعفری، محمد تقی، ***رسائل فقهی: رساله حقوق حیوانات در فقه اسلامی***، تهران: مؤسسه منشورات کرامت، ۱٤۱۹.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعة***، قم: موسسه آل البیت،۱٤۰۹ق.
- خوئی، ابوالقاسم، ***منهاج الصالحین***، قم: مدینةالعلم، ۱٤۱۰ق.
- ساعد، نادر، ***حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای***، چ ۱، تهران: شهر دانش، ۱۳۸٦.
- سبزواری، سید عبد الأعلی، ***مهذّب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام***، ط ٤، قم: مؤسسه المنار، ۱٤۱۳ ق.
- سیوطی، جلال الدین، ***الدر المنثور فی تفسیر المأثور***، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱٤۰٤ ق.
- شارل، روسو، ***حقوق مخاصمات مسلحانه***، ترجمه سیدعلی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳٦۹.

– شهید اوّل، شمس‌الدین محمدبن‌مکی العاملی، ***الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة***، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤١٤ ق.

– شیخ طوسی، محمدبن‌حسن، ***النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی***، دار الکتاب العربی، ط ١، بیروت: ١٣٩٠ ق.

– شیخ طوسی، محمدبن‌حسن، ***المبسوط فی فقه الإمامیة***، تهران: مکتبه مرتضویه، ١٣٧٨ ق.

– صدر، سید محمد، ***ماوراء الفقه***، بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤٢٠ ق.

– طباطبایی، محمدحسین، ***تفسیر المیزان***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٣٦٣.

– طبرسی، ابوعلی، ***مجمع البیان***، تهران: انتشارات فراهانی، ١٣٥٠ش.

– طیب، سید عبد الحسین، ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***، تهران: انتشارات اسلام، ١٣٧٨.

– عاملی، ابراهیم، ***تفسیر عاملی***، تهران: انتشارات صدوق، ١٣٦٠ش.

– عراقی، شیخ ضیاءالدین، ***شرح تبصرة المتعلمین***، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ١٤١٤ ق.

– فلسفی، هدایت الله، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، ***مجله حقوقی***، ش ١٨ ـ ١٩، ١٣٧٣ ـ ١٣٧٤.

– فیض کاشانی، محسن، ***الوافی***، تهران: المکتبة الإسلامیة، ١٣٧٥.

– کلینی، محمدبن‌یعقوب، ***الکافی***، تهران: منشورات المکتبة الاسلامیة، ١٣٨٨ ق.

– مجلسی، محمد باقر، ***بحارالانوار***، بیروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق.

– محقق حلّی، جعفر بن الحسن، ***شرایع الاسلام***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٥.

– مشکینی، علی، ***مصطلحات الفقه***، قم: الهادی، ١٣٧٧ ش.

– مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٣.

– ممتاز، جمشید، ***حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی***، ترجمه امیرحسین رنجبریان، چ ١، تهران: نشر دادگستر، ١٣٧٧.

– نجفی، محمد حسن، ***جواهر الکلام***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٥ ش.

– نوری، میرزاحسین، ***مستدرک وسائل‌الشیعه***، قم:موسسۀ آل البیت لاحیاء التراث،١٤٠٨ق.